

رانندگی در دنیای خیالی

اگر علائم راهنمایی و رانندگی نبود، برای ترافیک چه اتفاقی می افتاد؟

دنیای خیالی را در نظر بگیرید که در آن، دیگر خبری از قوانین راهنمایی و رانندگی نیست، وقتی به تقاطع هاومیادین می رسید، چراغ سبز یا قرمز نیست که به شما بگوید بروید یا توقف کنید. به جای همه این تابلوها و چراغ های دست و پاگیر، ترافیک روان است و تردهای شما ثبت و رصد نمی شود. در این دنیای موازی، تمامی وسایل نقلیه، اعم از شخصی، عمومی، دوجوهر و چهار محور، سواری یا باربری باید با یکدیگر بر اساس حدس و گمان تعامل کنند. آمان شهر دیوانگان چیزی جز چنین شهری است؟ شهری با خیابان های آشوب زده، قفل و ترافیک سنگین به وجود می آید. شاید آن قدر نااهم بد نباشد اگر در فضای مجازی گشتی بزیندمثل همین ویدئو که در پایان این مطلب می توانید از طریق اسکن کد آن را مشاهده کنید، فیلم هاو کلیپ های زیادی از تقاطع هاو خیابان های مختلف در سراسر جهان می توانید ببینید که چگونه با معجزه مهندسی و طراحی حجم زیادی از ترافیک را مدیریت می کنند یا در طرف دیگر ماجرا با وجود حجم زیاد آمد و شد و نبود تجهیزات مناسب ترافیکی باز هم تر دداده دار دوراندگان و عابران پیاده در یکدیگر گم می شوند. در ادامه درباره آنچه در تقاطع های شلوغ جهان می گذرد و اینکه شهروندان و خودروها در این مکان ها چگونه بدون علائم راهنمایی و رانندگی با هم روان راهور حق تقدم و دیگر قوانین را رعایت می کنند، بیشتر می خوانید. آیا زندگی شهری بدون این تجهیزات امکان پذیر است؟

سوئیس



سوئیس از جمله کشورهای توسعه یافته جهان است که به طور معمول در رتبه بندی های مختلف در زمینه کیفیت زندگی در میان رتبه های برتر دیده می شود. شهر برن، پایتخت این کشور، تصمیم دارد در یک برنامه بلندمدت به تدریج خود را از قید و بند قوانین و تجهیزات راهنمایی و رانندگی رها کند. نتایجی که تاکنون در برخی تقاطع هاو خیابان های فرعی به دست آمده، خیره کننده است. خودروها با سرعت کمتری از تقاطع ها عبور می کنند، عابران پیاده تقریباً از هر نقطه ای از معابر بدون دلبه عبور می کنند و حتی کمتر گره ترافیکی به دلیل رعایت نشدن حق تقدم یا گردش به طرفین ایجاد می شود. پژوهشگران شهری بر این باورند که با حذف چراغ های راهنمایی و رانندگی، دیگر علائم و معجزاتی برای ارائه چراغ سبز به رانندگان وجود ندارد. آن ها معتقدند در واقع چراغ سبز برای راننده این حق تقدم را ایجاد می کند که خودرو میلیونی خود را از تقاطع عبور دهد و به کودکی که در سوی دیگر تقاطع می خواهد از آن عبور کند، اهمیتی ندهد. اما همین شرایط را هنگام عبور و مرور افراد پیاده در یک ساختمان، فروشگاه یا پارک در نظر بگیرید. در شرایط معمول، افراد به خودی خود، حریم و تقدم تر در را رعایت می کنند. چرا در هنگام رانندگی چنین نکنند؟

ویتنام



هانوی، پایتخت ویتنام برای مطالعات ترافیکی از شهر های جذاب به شمار می آید. در این شهر حجم ترافیک خودرویی و عابران پیاده به نسبت ابعاد شهر بسیار زیاد است. رانندگان وسایل نقلیه علاوه بر دیگر خودروها باید به طور و بزه مراقب عابران پیاده باشند. در بیشتر تقاطع های شهر ۸ میلیون نفری هانوی، چراغ راهنمایی و رانندگی وجود ندارد و این موضوع، درد را برای عابران پیاده و خودروها به شدت دشوار می کند.

هند



دهلی از شلوغ ترین و پرسر و صدترین پایتخت های جهان است. جمعیت زیاد عابران پیاده و موتور ها، عرصه را برای دیگر خودروها تنگ کرده است. در هند و دیگر کشورهای در حال توسعه آنچه را در اطراف شهری از آن به عنوان «فضای عمومی عادی» یاد می کنند، می توانیم در کف خیابان ها و معابر مشاهده کنیم. در برخی معابر و تقاطع های پایتخت هند، نبود علائم ترافیکی و چراغ های راهنمایی و رانندگی مشهود است. مهندسان شهر سازی و ترافیک از چنین شرایطی با عنوان «شرایط چالشی» یاد می کنند، اما مگر کلان شهر ها، چیزی جز مجموعه ای از چالش ها و تعارضات هستند؟ پویایی فضای عمومی در تعامل شهروندان با یکدیگر حاصل می شود که در یک تقاطع بدون فرماندهی و تعامل شهروندان با یکدیگر، خواه از طریق فریاد، خواه از طریق بوق زدن قابل مشاهده است.

حق تقدم با کیست؟

آنچه در تقاطع های شلوغ جهان مشاهده می کنیم، در بسیاری از موارد، چیزی بیشتر از هرج و مرج است. اما در میان همین شهر آشوب هائیز نظم ضمنی بسیار قدرتمندی حاکم است که با قوانین و هنجار های معمول که به وسیله چراغ های راهنمایی و رانندگی اعمال می شوند، متفاوت است. چراغ های راهنمایی و رانندگی به جای شهروندان فکر می کنند و فرایندهای مشارکتی آنان در حفظ نظم شهری را کنترل می کنند. اما سوال اینجاست که حق تقدم در جوامع انسانی با کیست؛ قوانین و چراغ های فرماندهی یا نظم و ادراک شهروندان؟ مفاهیم و قوانین مرتبط با ترافیک در شهر ها ده ها سده است که در دانشگاه ها و نهاد های قانون گذاری مورد بحث قرار می گیرند. از دهه ۸۰ میلادی به این سو که علائم راهنمایی و رانندگی به صورت نظام مند به تدریج فراگیر شدند، آمار تصادفات کاهش و نظم و انضباط ترافیکی افزایش یافته است.

حق تقدم با فرهنگ است

در شهر هایی که برای نمونه بیان شده، به نمونه های توسعه یافته و در حال توسعه از شرق و غرب عالم اشاره شده؛ شهر هایی که در حذف علائم و به صورت تهمیز مان، حفظ قوانین راهنمایی و رانندگی، موفق بودند و شهر هایی که به سختی با این معضل دست و پنجه نرم می کنند. اما آنچه از نگاه پژوهشگران شهری مهم تر به نظر می رسد، اعداد و ارقام است. پژوهشگران معتقدند در جوامعی که سابقه طولانی تری در استفاده از خودرو زندگی ماشینی دارند، همان طور که گزارش سازمان های نظیر سازمان بهداشت جهانی نشان می دهد، میزان مرگ و میر در اثر تصادفات کمتر است. برای مثال در اتیوپی، به ازای هر صد هزار وسیله نقلیه، ۴۹۸۴ مورد در هند، ۱۲۰ مورد، در ویتنام ۵۵ مورد و در انگلستان فقط ۴ مورد مرگ گزارش شده است. بدون تردید قوانین سخت گیرانه، پیشرفت فناوری خودروساز ها و جاده های بهتر در این زمینه مؤثر بوده اند، اما پژوهشگران بر این باورند که هر یکنه های انجام گرفته در حوزه فرهنگ سازی ترافیک مؤثر تر بوده اند.

مترجم: عادل نجفی

با اسکن کد مقابل، ویدئویی از تقاطعی که از زیر برج های توکیو در ژاپن می گذرد تا تقاطع های چند سطحی در اروپا و شاهکار های مهندسی در مدیریت آن ها را ببینید.

شهر

روزنامه شهرامید

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

شماره ۳۱۳۸

حق به حق دار برسد

نگاهی به مصادیق رعایت حق تقدم که از یاد برخی رانندگان رفته است

ملیحه ابراهیمی یزدی | حق در هر شرایطی باید ادا شود؛ حالا فرقی نمی کند مال یتیم باشد، ارثیه باشد یا فشار دادن ترمز ماشین زیر پایتان. خواهش می کنیم با خودتان روراست باشید. اگر برای خودتان حقوقی قائل هستید، نگاهتان به همنوعان نیز به گونه ای باشد که او هم دارای حق و حقوقی است. می خواهیم درباره رعایت حق تقدم بگوییم؛ مسئله ای که اگر مورد توجه خیلی از شهروندان که اعتقادی به قانون ندارند و بر محور قوانین خاص خود می رانند قرار بگیرد، نه تنها شاهد روان شدن ترافیک هستیم، بلکه طبق مستندات موجود می توان از حدود ۶۰ درصد تصادفات در شهر، که ناشی از رعایت نکردن حق تقدم حین رانندگی است، به طرز معجزه آسایی جلوگیری کرد.



Shahram News

از فرصت واکنش مثبت تا ادای احترام

یک خواهش جدی الطفا در معابری که ممکن است فرعی بسیار داشته باشد، با احتیاط بپردازید. البته که صد درصد حق با شماست که در خیابان اصلی در حال رانندگی هستید. اما در دیدنی ترین شکل ممکن با سرعت مطمئن رانند، فرصت واکنش های مثبت را به شما می دهد. شماراننده محترمی هم که اعتقادی به توقف در تقاطع های فرعی به اصلی ندارد، کمی حوصله داشته باشید؛ باور کنید کسی شما را به این دلیل که به تابلو «رعایت حق تقدم» احترام می گذارد، مورد تمسخر قرار نمی دهد.



وای از سودجویان

تاصدای آژیر خودرو آتش نشانی یا آمبولانس را می شوند، به شکل عجیبی سیر به سیر آن ها حرکت می کند تا از این موقعیت به نظر خودش عالی، نهایت استفاده را ببرد. خدا نکند خودرو امدادی یک نیش ترمز بزند. آنجاست که مدعی می شود به ماشینش ضربه وارد شده است و پاک فراموش می کند مقصر صحنه تصادف خود اوست که فاصله قانونی را رعایت نکرده است و پشت سر ماشین امدادی راه افتاده است. عزیز سودجو فراموش نکن که برابر قانون، حق تقدم با وسایل نقلیه امدادی در حال انجام مأموریت است؛ حتی اگر خودرو امدادی مثل آمبولانس خالی باشد. لطفاً آن طرف سکه را ببینید؛ شاید آمبولانس با عجله بر سر بالین یک بیمار بدحال می رود.



ملت علم غیب ندارد

به جای آنکه هی نیم کلاچ، نیم کلاچ کنید تا از پارک خارج شوید، چه اشکالی دارد چند ثانیه تحمل کنید تا خیابان خلوت شود؟ راستی اگر زحمتی نیست، آن راهنمای مبارک را هم بزیند؛ ملت که علم غیب ندارند که شما یکپهو قرار است از پارک خارج شوید.

مقصران حق به جانب

یکی از تفریحات برخی شهروندان این است که از عصر تا شب، حوالی یک میدان بنشینند و از دور به رانندگی آن ها بنگردند. اصلاً اوضاعی است! هر کس وارد میدان می شود، فکر می کند درست مثل انزلی هسته ای که حق مسلم اوست، باید تمام راه را برایش باز شود. اما به این بزرگواران باید بگوییم برابر بند پ ماده ۱۱۳۷ این نامه راهنمایی و رانندگی چنانچه راننده ای هنگام ورود به میدان حق تقدم را رعایت نکند، مقصر حادثه شناخته می شود.



وقتی پای جبر در میان باشد

یادتان باشد معنی و مفهوم رعایت حق تقدم این نیست که سربک چهارراه با بوق و سوبلاا با طرف مقابل تعارف رد و بدل کنید که «شما بفرمایید، نه شما بفرمایید»؛ وقتی حین رانندگی به چپ منحرف می شوید یا یکپهویی هیچ مقدمه ای و ناگهان تغییر مسیر می دهید و از سرعت تخطی می کنید، حق تقدم را رعایت نکرده اید. حتماً باید پای دوربین های نظارت، گشت زنی ها، تابلوهای انتظامی و جریمه های سفت و سخت وسط بیاید تا آهسته بروید و آهسته بیایید؟



یک اتفاق خوب به نفع عابران!

باور کنید عابران این شهر بزرگ هم دارای حقوقی هستند، اما متأسفانه بعضی افراد که پشت فرمان می نشینند، در آینه خودرو خود، جز خودشان، فرد دیگری را نمی بینند. چند وقت پیش به اپکتا سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، کارگاهی با عنوان «ایده پردازی رعایت حق تقدم» با هدف خلق و پرورش ایده های مهندسی، شهرسازی، ترافیکی، هنری، آموزشی، روان شناسی، تعلیم و تربیت در این زمینه، در فرهنگ سری کودک و آینده و با حضور دانشجویان رشته های مختلف دانشگاهی و داوران متخصص در حوزه های شهری، روان شناختی و هنری برگزار شد.

باتوجه به این موضوع که مشهد از نظر تصادف عابر پیاده، متأسفانه آمار بالایی دارد، هدف از برگزاری کارگاه فوق، اجرای یک اقدام مهم فرهنگی در شهرمان بود و طی آن به مشکلات و چالش های روزمره عابران پرداخته شد. یکی از مسائلی که در این باره در این کارگاه مطرح شد، مشکلات حوزه فنی و اجتماعی بود که متأثر از هم هستند؛ نمونه آن وجود خلأ در زیرساخت های تردیدک عابردر شهر است. بماند که برای رعایت حق تقدم عابران کاری انجام نداده ایم.



برابر کد ۲۰۱۴۲ جریمه رعایت نکردن حق تقدم عبور ۵ هزار تومان است

رعایت نکردن حق تقدم عبور برای وسایل نقلیه شخصی ۴ نفره منتهی به همراه دارد

رعایت نکردن حق تقدم عبور برای وسایل نقلیه عمومی و سنگین ۴ نفره منتهی به همراه دارد



قانون؛ تنظیم کننده روابط اجتماعی

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.



آزاده محمودی
دکتری روان شناسی
و روان درمانگر

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد از وضعیت خود و زندگی شان است. آن ها خود را با دیگران مقایسه می کنند و وقتی می بینند شرایطشان با برخی افراد متفاوت است، به اجرای قانون بی تفاوت می شوند. گریز از قانون به رفتارهای روزمره خلاصه نمی شود و مفاسد اقتصادی و آسیب های اجتماعی هم در نتیجه قانون شکنی روی می دهد که باید در این زمینه تمهیداتی بیندیشیم، چون این موضوع در ذهن همه افراد جامعه تأثیر منفی می گذارد. اگر می خواهیم وضعیت قانون گریزی را در کشوری بسنجیم، می توانیم به نحوه رانندگی افراد در جامعه نگاهی بیندازیم. افراد قانون گریز در همه جا، محیط های عمومی، اداره ها و حتی مراکز تا سطوح بالاتر نیز همین گونه بی قانونی می کنند؛ چرا که بیشتر آن ها نیاموخته اند. رعایت نکردن قانون قیاحت رفتاری و اخلاقی دارد و از این موضوع خجالت نمی کشند که در برابر دیگران کار زشت انجام دهند و در نتیجه به کار خود ادامه می دهند. قانون گریزی نشان می دهد علائیت بلندمدت در فرهنگ و ذهن جامعه ایرانی شکل نگرفته است. افراد آرامش ناشی از نظم و انضباط را تجشیده اند و از حیث اخلاقی رشد نکرده اند، در حالی که در جامعه ما، ارزش های دینی و اخلاقی بسیاری تعریف شده است.

یکی از لازمه های زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در جامعه است. واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید می کند و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی، بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین می توان گفت استحکام و انسجام هر جامعه، در گرو توجه به قانون و رعایت آن و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی انسان ها از قانون روی برمی گردانند و قانون شکنی می کنند. در هر جامعه، قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است. این قوانین که از طریق مجاری رسمی به تصویب می رسد، از سوی برخی افراد جامعه نادیده گرفته می شود. در این شرایط است که ما با مسئله قانون گریزی در جامعه روبه رو می شویم. حال بیاییم به این قضیه بپردازیم که چه دلایلی باعث می شود برخی افراد، قوانین را رعایت نکنند. این مسئله دلایل متعددی دارد، از جمله: بی توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی توجهی به اهداف قانون، ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون، تحلیل شخصی از قانون، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان، تفکیک میان قوانین و اولویت گذاری آن ها، تعارض قوانین با منافع فردی، به روز نبودن قانون و... در این بین از علل مهم، رضایت نداشتن افراد